

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

- ۱۱ | مقدمه
- ۱۳ | نشانه‌های اختصاری لغت‌نامه دهخدا
- ۱۴ | نشانه‌های اختصاری فرهنگ معین
- ۱۵ | نشانه‌های اختصاری فرهنگ عمید
- ۱۶ | نشانه‌های اختصاری فرهنگ بزرگ سخن
- نشانه‌های اختصاری واژه‌نامه موسیقی (مهدی ستایشگر) | ۱۷
- جدول نمادهای واژه‌نامه موسیقی (مهدی ستایشگر) | ۱۸
- جدول مقایسه‌گوشه‌ها در ردیف‌های مذکور | ۱۹
- نمودار وجود گوشه‌ها در ردیف‌های مشخص شده | ۲۷
- ردیف | ۳۵
- نام‌گذاری الحان ردیف موسیقی ایران بر پایه چند نکته است. | ۳۶
- ردیف عبدالله دوامی | ۳۷
- ردیف شهنازی | ۳۸
- ردیف میرزا حسینقلی | ۳۸
- ردیف میرزا عبدالله | ۳۹
- آذربایجانی | ۳۹
- آشوراوند | ۴۰
- آواز | ۴۱
- آواز کوچه‌باغی | ۴۳
- ۴۳ | ابول
- ۴۴ | ابوالچپ
- ۴۵ | ابویتام
- ۴۵ | ابو عطا
- گستره در آمد ابو عطا | ۴۷
- گستره سیخی | ۴۷
- گستره اوج حجاز و گستره اوج | ۴۷
- ابوسلیک | ۴۸
- ار جوزه | ۴۸
- اصفهان | ۴۸
- اصفهانک | ۵۲
- افشاری | ۵۳
- گستره عراق | ۵۶
- اوج | ۵۶
- اوج در موسیقی امروز | ۵۷
- اوج و حضیض | ۵۷
- امیری | ۵۸
- باوی | ۵۹
- برداشت | ۵۹
- بحر اصول | ۶۰
- بحر نور | ۶۰
- بختیاری | ۶۱
- بزرگ | ۶۱

- بزرگ در موسیقی امروز | ۶۲
بسته نگار | ۶۳
بسته نگار در ردیف موسیقی امروز | ۶۴
بوسلیک | ۶۵
بغدادی | ۶۸
بنفشه | ۶۸
بیات | ۶۸
بیات اصفهان | ۷۰
بیات ترک | ۷۰
گستره آواز بیات ترک | ۷۲
گستره شکسته | ۷۳
بیات تهران | ۷۴
بیات راجه یا راجع | ۷۴
بیات عجم | ۷۵
بیات کرد | ۷۵
بیداد | ۷۶
بیدادکت | ۷۷
بیدگانی | ۷۷
پروانه | ۷۸
پنجگاه | ۷۹
جمع‌بندی دستگاه پنجگاه | ۷۹
پنجگاه در موسیقی امروز | ۸۰
انگاره ملودیک برای فرود به راست | ۸۱
حرکت ملودی پروانه | ۸۲
گستره لیلی و مجنون | ۸۲
پنجه شعری | ۸۳
پنجه‌کردی | ۸۳
پنجه‌مویه | ۸۳
پهلوی | ۸۴
پهلوی در ردیف موسیقی معاصر | ۸۵
پس حصار | ۸۶
پیش حصار | ۸۶
پیش‌درآمد | ۸۶
پیش‌زنگوله | ۸۸
تحریر | ۸۹
تخت طاقدیس | ۹۱
ج (حروف ابجد) | ۹۲
جامه‌دران | ۹۲
جان‌افزایی | ۹۴
جوادخانی | ۹۴
چکاوک | ۹۵
چکاوک در ردیف موسیقی امروز | ۹۶
چهارپاره | ۹۸
چهارگاه | ۱۰۰
چهارگاه در موسیقی امروز | ۱۰۲
گستره درآمد چهارگاه | ۱۰۵
مقایسه دانگ‌های درآمد سه‌گاه و چهارگاه | ۱۰۶
گستره مویه | ۱۰۷
انگاره آهنگین حصار | ۱۰۷
گستره مخالف | ۱۰۸
گستره منصوری | ۱۰۸
چهارگوشه | ۱۰۸
چهارمضراب | ۱۰۸
ح | ۱۱۱
حاج حسنی | ۱۱۱
حاجیانی | ۱۱۲
حجاز | ۱۱۳
حجاز در ردیف موسیقی دوره معاصر | ۱۱۶

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------|
| دلکش ۱۴۳ | حجاز در ردیف‌های موجود ۱۱۷ |
| دلگشا ۱۴۴ | حُدی ۱۱۷ |
| دوبیتی ۱۴۵ | حربی ۱۱۸ |
| دوبیتی در موسیقی ردیف ۱۴۷ | حربی در موسیقی امروز ۱۱۸ |
| دوگاه ۱۴۸ | حزان ۱۱۹ |
| دوگاه در موسیقی معاصر ۱۴۹ | حزین ۱۲۰ |
| دیلمان ۱۵۰ | نام تصنیفی از مراغی ۱۲۲ |
| دناسری ۱۵۱ | حسینی در موسیقی امروز ۱۲۳ |
| راجع ۱۵۲ | حصار ۱۲۳ |
| راز و نیاز ۱۵۲ | خارا ۱۲۵ |
| راست پنجگاه ۱۵۴ | خاوران ۱۲۶ |
| انگاره ملودیک برای فرود به راست ۱۵۷ | خسروانی ۱۲۷ |
| گستره پروانه ۱۵۷ | خسروانی در موسیقی امروز ۱۳۰ |
| حرکت ملودی پروانه ۱۵۸ | خجسته ۱۳۰ |
| حرکت ملودی لیلی و مجنون ۱۵۸ | خسرو شیرین ۱۳۱ |
| راست ماهور ۱۵۸ | خزان ۱۳۲ |
| راک ۱۵۸ | خوارزمی ۱۳۲ |
| راک عبدالله ۱۶۰ | داد ۱۳۳ |
| راک کشمیر ۱۶۰ | د ۱۳۴ |
| راک هندی ۱۶۱ | درآمد ۱۳۴ |
| رامکلی ۱۶۱ | دستان‌العرب ۱۳۵ |
| راوندی ۱۶۲ | دزفولی ۱۳۶ |
| رجز ۱۶۳ | دستگاه ۱۳۶ |
| رضوی ۱۶۶ | دستگاه در موسیقی امروز ۱۳۷ |
| رنگ ۱۶۷ | دشتی ۱۳۹ |
| رنگ شهر آشوب ۱۶۹ | گستره آواز دشتی ۱۴۱ |
| رنگ فرح ۱۶۹ | گستره اوج ۱۴۲ |
| روح افزا (ی) ۱۶۹ | دشتستانی ۱۴۲ |
| روح‌الارواح ۱۷۰ | |

- رهاب | ۱۷۱
رهاب در موسیقی امروز | ۱۷۱
رهاوی | ۱۷۲
ز | ۱۷۴
زابل | ۱۷۴
زابل در موسیقی امروز | ۱۷۵
زابل‌گیری | ۱۷۶
زابل منصوری | ۱۷۶
زاولی | ۱۷۷
زنگ شتر | ۱۷۸
زنگوله | ۱۷۹
زنگوله در موسیقی امروز | ۱۸۱
زیرافکن/ افکند | ۱۸۱
زیرکش | ۱۸۳
ساربان | ۱۸۵
سارنج | ۱۸۵
ساربانگ | ۱۸۶
سارنگ | ۱۸۶
ساقی‌نامه | ۱۸۶
سپهر | ۱۸۸
سروش | ۱۸۹
سلمک | ۱۹۰
سلمک در ردیف موسیقی امروز | ۱۹۳
سملی | ۱۹۴
سوز و گداز | ۱۹۵
سه‌گانه | ۱۹۶
فواصل سه‌گانه نسبت به تونیک | ۱۹۸
گستره در آمد سه‌گانه | ۲۰۱
- گستره مخالف سه‌گانه | ۲۰۱
سیخی | ۲۰۱
شاه‌ختایی | ۲۰۲
شکسته | ۲۰۳
شکسته‌مویه | ۲۰۵
شمالی | ۲۰۵
شور | ۲۰۶
نغمات دستگاه شور (حروف ابجد) در یک اکتاو | ۲۱۰
گستره در آمد شور | ۲۱۱
شوشتری | ۲۱۲
شوشتری گردان | ۲۱۴
شهابی | ۲۱۵
شهر آشوب | ۲۱۶
شهر آشوب در ردیف موسیقی معاصر | ۲۱۷
شهناز | ۲۱۷
شهناز در موسیقی معاصر | ۲۱۸
شهنازکت (عاشق‌کش) | ۲۱۹
صبا | ۲۱۹
صدری | ۲۲۰
صفا | ۲۲۲
صفیر | ۲۲۲
صفیر راک | ۲۲۳
صوفی‌نامه | ۲۲۳
ضرب اصول | ۲۲۴
ضرب اصول در موسیقی | ۲۲۵
طرب‌انگیز | ۲۲۵
طرز | ۲۲۶
طوسی | ۲۲۷

Shiraz-Beethoven.ir

۹
نغمه چکاوک

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| گوشه ۲۵۸ | عراق ۲۲۸ |
| گیلکی ۲۵۹ | عراق در ردیف موسیقی معاصر ۲۳۰ |
| لزگی ۲۶۰ | عزال ۲۳۲ |
| لیلی و مجنون ۲۶۱ | عزال در موسیقی معاصر ۲۳۴ |
| لیلی و مجنون در موسیقی ایران ۲۶۲ | عشاق ۲۳۴ |
| ماوراءالنهر ۲۶۴ | عشاق در موسیقی امروز ۲۳۷ |
| ماهور در موسیقی معاصر ۲۶۸ | عشیرا ۲۳۸ |
| نغمات و گوشه‌های ماهور ۲۶۹ | زیرکش عشیران ۲۳۹ |
| گستره داد ۲۷۱ | عقده‌گشا ۲۴۰ |
| انگاره آهنگین دلکش ۲۷۱ | غم‌انگیز ۲۴۰ |
| گستره عراق ۲۷۲ | فرنگ ۲۴۱ |
| مبَرَق ۲۷۲ | فرود ۲۴۲ |
| مبَرَق در ردیف موسیقی معاصر ۲۷۴ | فیلی ۲۴۳ |
| متن و حاشیه ۲۷۴ | قجر ۲۴۴ |
| موسیقی متن ۲۷۴ | قرایی ۲۴۵ |
| مثنوی ۲۷۵ | قرچه ۲۴۵ |
| مثنوی ابوعطا ۲۷۸ | قطار ۲۴۶ |
| مثنوی اصفهان ۲۷۹ | قطار در ردیف موسیقی امروز ۲۴۶ |
| مثنوی افشاری ۲۷۹ | کرشمه ۲۴۷ |
| مثنوی ترک ۲۸۰ | کشته ۲۴۹ |
| مثنوی دشتی ۲۸۰ | کوچک ۲۴۹ |
| مَجسلی ۲۸۱ | کوچک در ردیف موسیقی معاصر ایران ۲۵۱ |
| مجلس افروز ۲۸۲ | کوچه‌باغی ۲۵۱ |
| محمد صادق خانی ۲۸۳ | گبری ۲۵۳ |
| مخالف ۲۸۴ | گردانیا/گردانیه ۲۵۴ |
| مخالف در موسیقی معاصر ۲۸۶ | گرایلی/گریلی ۲۵۴ |
| مخالف سه‌گاه ۲۸۶ | گشایش ۲۵۷ |
| مرو دشتی ۲۸۷ | گلریز ۲۵۸ |

- انگاره آهنگین نهفت | ۳۱۴
نوروز | ۳۱۴
نوروز خارا | ۳۱۵
نوروز صبا در ردیف موسیقی معاصر | ۳۱۶
نوروز عرب | ۳۱۷
نوروز عرب در ردیف موسیقی معاصر | ۳۱۷
نهاوند | ۳۱۸
نهاوند در ردیف موسیقی معاصر | ۳۱۸
نهفت | ۳۲۰
نهفت در موسیقی معاصر | ۳۲۱
نهیب | ۳۲۲
نی داود | ۳۲۳
نیریز | ۳۲۴
نیریز صغیر | ۳۲۵
نیریز کبیر | ۳۲۶
نیشابورک | ۳۲۶
نیشابورک در موسیقی معاصر | ۳۲۷
هـ | ۳۲۶
همایون | ۳۲۷
همایون در موسیقی امروز | ۳۲۸
گستره درآمد همایون | ۳۳۱
گستره زنگ شتر | ۳۳۲
ی | ۳۳۳
یتیمک | ۳۳۴
یقولونه | ۳۳۵
منابع و مآخذ | ۳۳۶
- ۲۸۷ | مسیحی
۲۸۸ | معرید
۲۸۸ | مغلوب
۲۸۹ | ملانازی
۲۹۰ | ملک حسین
۲۹۱ | منصوری
منصوری در موسیقی امروز | ۲۹۱
مؤالف | ۲۹۲
موالیان | ۲۹۳
مویه | ۲۹۵
مهربانی | ۲۹۷
میرزایی | ۲۹۹
میگلی | ۳۰۰
ناقوس | ۳۰۰
نشیب و فراز | ۳۰۲
نصیرخانی | ۳۰۲
نغمه | ۳۰۳
وزن نغمه | ۳۰۶
نفیر | ۳۰۷
نفیر و فرنگ | ۳۰۸
نوا | ۳۰۸
نوا در موسیقی معاصر | ۳۱۰
نغمه‌ها و گوشه‌های دستگاه نوا | ۳۱۱
گستره نوا | ۳۱۳
گستره گردانبه | ۳۱۳
انگاره آهنگین نیشابورک | ۳۱۳
گستره صوتی نیشابورک | ۳۱۳
گستره نهفت | ۳۱۴

نمودار وجود گوشه‌ها در ردیف‌های مشخص شده



گوشهٔ عراق: مقامی کاملاً متفاوت از مقام افشاری دارد و اوج آواز افشاری محسوب می‌شود. تغییر فواصل و دور شدن نت شاهد از شاهد افشاری علت این تفاوت است. نت mi در عراق در حالت بالارونده، P و در حالت پایین‌رونده با است و نت la نیز به صورت با اجرا می‌شود. دانگ اول به صورت بالارونده از نت re به طرف شاهد (fa) با به کارگیری mi P حرکت می‌کند و از طریق mi با به صورت پایین‌رونده به طرف do بازمی‌گردد. دانگ دوم نیز به صورت پایین‌رونده به سوی شاهد است.

گسترهٔ عراق:



اوج زه

دهخدا: [أ] [أ] لحنی از الحان موسیقی (اقرب الموارد) نغمه‌ای از موسیقی (انجمن آرا) بلندترین درجهٔ کواکب باشد و آن سطح ملاقات سطح محدب فلک باشد (برهان) (غیاث اللغات) (آندراج).

معین: (أ) [معر] (أ)، بلندترین حد آواز.

سخن: [W[0]، [عر: اوج، معراز سنس] (موسیقی ایرانی) بالاترین حد ارتفاع صوت در اجرای بخش آوازی؛ گوشه‌ای در آواز دشتی، آواز اصفهان و آواز بیات کرد، اوج بعضی از آوازه‌ها را نیز عشاق گویند (قد). (موسیقی ایرانی). یکی از بیست و چهار شعبه موسیقی ایرانی. ~ و حسیض (موسیقی ایرانی) گوشه‌ای در دستگاه شور.

ستایشگر / ج ۱ / ص ۱۱۸، ۱۱۹: بالا، مقابل حسیض. بالاترین نقطهٔ ارتفاع آواز و صوت موسیقایی. ریشهٔ اوج را از واژه‌های زبان هند گفته‌اند. شعبهٔ سیزدهم از بیست و چهار شعبهٔ موسیقی قدیم، دایرهٔ هفتاد و دوم از دوایر نود و یگانه که هشت نغمهٔ آن مشمول اکتاو بوده است که اگر به نغمات هشت‌گانه آن نغمه بیفزایند، با عراق مناسب شود.

پس از حجاز می‌دانند. در بعضی ردیف‌ها به جای عنوان ابوعطا، دستان عرب مترادف با سارنج ذکر گردیده (صلحی)، و ذیل آن گوشه‌های ابوعطا ذکر شده است. اما سخن مشهور اجماع اساتید اهل فن دستان عرب را ابوعطا تعبیر می‌کنند و امروز چنان‌که در عناوین آثار مضبوط نواری مشهود است، دستان عرب مفهومی مترادف ابوعطا دارد.

دزفولی dezfuli

ستایشگر / ج ۱ / ص ۴۳۹: گوشه‌ای کوتاه در دستگاه همایون؛ این گوشه با یادنی منسوب به دزفول می‌نماید؛ اما معلوم نیست لحن آن مأخذ از دزفولی‌ها باشد. این نام در ردیف‌های موجود بحورالاحان، صلحی، موسی معروفی و برومند مشهود نیست؛ اما در کتاب سوم سنتور ابوالحسن صبا بعد از شوشتری و در همان حال و هوا (شوشتری) با شاهی بر پرده چکاوک و فرود بر تونیک همایون به اجرا درآمده است.



دستگاه Dastgâh

دهخدا: [د] (امرب) (اصطلاح موسیقی ایرانی) طریق یک دستگاه، مجموع پیش‌درآمد و درآمد آواز و رنگ و نواست. ایرانیان هفت دستگاه دارند و اروپاییان دو دستگاه (یادداشت مرحوم دهخدا) یک آهنگ کامل موسیقی، مجموعه‌ای از عده‌ای آوازه‌ها و نغمه و گوشه که در عین پیریشانی شامل مدلهای ممتاز و موضوعات مطبوع می‌باشد، آوازی که به سبب طرز بستن درجات گام آن و فواصل جزء آن از آوازه‌های دیگر متمایز باشد. معمولاً موسیقی ایرانی را شامل هفت دستگاه می‌دانند: ماهور، همایون، سه‌گاه، چهارگاه، شور، نوا، راست پنجگاه و این طبقه‌بندی از اواسط دوره قاجاریه سابقه داشت است و در ردیف‌های (مقصود از ردیف، سبک و روش و کیفیت تنظیم یک

دشتی به شور (کریمی / ۳۳).
سارنج یا سارنجی (SARANGI) سازی زهی چوبی در شمال کشور هند به شباهت
کمانچه؛ زیرا با کمان نوازند. سارنج از لحاظ شکل ظاهری البته با اختلاف اندکی به
دلربا (← دلربا) می ماند؛ زیرا دسته ای بلند و کشیده و سه یا چهار سیم اصلی و تعدادی
سیم فرعی دارد. و نام این نغمه مأخذ از نام ساز مذکور (سارنج / سارنگ) است. واژه
سارنگ یا سارنج در ردیف های موسی معروفی، صلحی برومند، مشهود نیست و در ردیف
بحورالاحان در ابوعطا و در ردیف (پایور / ۴۶) و وسعت و بسط بیشتری با حالت مثنوی
ثبت گردیده است.

ساربانگ sârbāng

دهخدا (ا.) یکی از آهنگ های موسیقی ایرانی است.
معین: (ن) (امر) یکی از آهنگ های موسیقی.
سخن: (ا.) (موسیقی ایرانی) گوشه ای در دستگاه شور.

سارنگ sârang

معین: (ر) (ا.) سار، سازی است مانند کمانچه که با آرشه نواخته می شود.
سخن: (ا.) (موسیقی ایرانی) گوشه ای در آواز ابوعطا.

ساقی نامه sâginâneh

دهخدا: [م / م] (امرکب) نوعی شعر مثنوی در بحر متقارب که در آن شاعر خطاب به
ساقی کند و مضامین در یاد مرگ و به یاد حیات دنیوی و پند و اندرز و حکمت و غیره
آورد؛ نوعی آواز که ساقی نامه ها را بدان آهنگ خوانند.
معین: (م) [ع.فا] (امر) نوعی مثنوی در بحر متقارب که در آن شاعر ساقی را مخاطب قرار
می دهد و به بی ثباتی و ناپایداری این جهان اشاره می کند.

مثنوی دشتی m. dashti

تایشگر / ج ۲ / ص ۳۸۳: مثنوی دشتی از مثنوی‌هایی است که در موسیقی ایران رایج بوده و امروزه به دو روایت معتبر موسیقی ایران اجرا می‌شود.

خست اجرای شعر و آهنگ مثنوی است در مایه دشتی به سبک مثنوی‌های معمول و رایج (صبا، کتاب دوم سنتور، کریمی / ۵۶) دوم مثنوی دشتی به روایت عبدالله دوامی (← تا نامه) است که در دو نوع خود از لحاظ زیبایی لحن و گردش و تلفیق شعر و آهنگ منحصر است (مث / ۹). این مثنوی در دو دهه اخیر از اشتهار بیشتری برخوردار و با شعر:

یک شبی مجنون به خلوتگاه ناز با خدای خویشان می‌کرد راز

کای خدای نامم تو مجنون کرده‌ای بهر یک لیلی دلم خون کرده‌ای

Shiraz-Beethoven.ir

Mâhour ماه‌ور

Chahârgâh چهارگاه

Shour شور

Segâh سه‌گاه

Homâyoun همایون

Navâ نوا

Râst - Panjgâh راست پنجگاه

● در این تابلو، دستگاه راست پنجگاه در دو مرحله نوشته شده است.

● خط‌های نقطه چین قرمز، نشانگر مرحله اول و خط‌های نقطه چین آبی نشانگر مرحله دوم است.*

● در این تابلو خطوط خاکستری نشانگر نت‌های مشترک و نوارهای رنگی نشانگر دانگ‌ها و فواصل مشترک در دستگاه‌ها هستند.

● خط‌های نقطه چین قرمز، نشانگر دانگ در هر دستگاه است

* برگرفته از کتاب متوسطه تار و سه‌تار استاد حسین علیزاده.

درجه دوم با درجه اول فاصله دو نیم‌بزرگ دارد که به دوم کوچک نزدیک است. فواصل آن نسبت به تونیک: دوم نیم‌بزرگ، سوم بزرگ، چهارم و پنجم درست، ششم کوچک، هفتم کوچک، هنگام.

مهم‌ترین درجات گام همایون: درجه اول (تونیک) که پایه به شوشتری را تشکیل می‌دهد، درجه دوم که بسیار مهم و شاهد و معرف همایون است. چهارم (نمایان) که شاهد چکاوک و لیلی و مجنون است، درجه پنجم که شاهد بیداد است، و هفتم که نت ایست (پس از توقف‌های مکرر به روی شاهد به درجه هفتم فرود آمده، ایست می‌نماید).

گوشه‌های همایون

پس از چهارمضراب و درآمدها، کرشمه، زنگ شتر، گوشه چهارگاه، موالیان، چکاوک، نغمه چکاوک، فرود، بیداد (دو قسم)، نی داود، باوی، ابوالچپ، راوندی، موره، لیلی و مجنون، طرز، نوروز عرب، نوروز صبا، نوروز خارا، نفیر، فرنگ، زابل، بیات عجم، بحر نور، غزال، دناسری، زنگوله، عشاق، عشاق محمدصادق خانی، شوشتری، میگلی، مرودشتی، بهبهانی، منصوری، فرود به شوشتری، بختیاری (دو قسم)، مؤلف، دل‌نواز، فرود، نیریز، فرود به همایون، جامه‌دران، رنگ فرح، رنگ شهر آشوب (موسی معروفی)، که از آن میان مهم‌ترین گوشه‌های معمول بعد از درآمدها (کرشمه درآمد را نیز می‌توان جزء درآمد محسوب داشت) عبارت‌اند از: موالیان، چکاوک، بیداد، نی داود، لیلی و مجنون، بختیاری، شوشتری (مؤلف در شوشتری)، و در صورتی که اجرا شود، از منصوری و عشاق نیز می‌توان نام برد (عشاق راه به شور دارد).

درجه‌های قابل توجه در همایون درجه ششم این گام است که در حالت معمول کوچک است؛ ولی برای نزدیک شدن به درجه هفتم (که محسوس حقیقی نیست) به هنگام فرود و نشان دادن حالت طبیعی‌تر فرود، بالا می‌رود (درجه ششم می‌شود).

همایون آوازی متین را آغاز می‌کند و دلنشین تداوم می‌یابد، حرکت آغازین آهنگ درآمد از هرتی باشد، وقتی به شاهد می‌رسد، شکوهی خاص پیدا می‌کند، به‌خصوص هنگامی